نقد برداشت شیخ انصاری از روایات سوم الشک

من داشتم عبارات مرحوم شیخ انصاری در کتاب صومشان را میدیدم،[1] دیدم گاهی برخی از ضوابط مدونشده در کلاس که هنوز بخشی از ارتکازیات یک فقیه است، رهزن میشود. اینهایی که ما الآن بحث میکنیم و برای ما واضح است، مرحوم شیخ میفرمایند بادی النظر است. ثانی النظر چیست؟ برمیگردند. کانه این «وفقت له» اصلاً هیچ میشود. خب شما «وفقت» را بفرمایید. میگوید اشکال کرد «أ یجزی صوم التطوع عن الفریضه؟!»؛ تعجب کرد. میگویند امام علیه‌السلام تعجب او را تقریر کردند. خب معنای تقریر تعجب او تفضل است. خب این را نگاه کنید. بعد هم به روایتی که در این باب مشغول هستیم میرسیم.

من این جور عرض میکنم؛ مقدمه برای روایت باشد. تعجب کرده و دارد به حرف امام علیه‌السلام اشکال میکند. روزه مستحب میتواند مجزی از واجب باشد؟! اینکه حضرت با تعجب او مماشات بکنند فرقی ندارد با اینکه تقریر تعجب را بکنند؟! من که روایت را خواندم قبل از اینکه فرمایش شیخ را ببینم برایم واضح بود که حضرت دارند با تعجب او مماشات میکنند. یک چیزی گفته و میخواهد اشکال کند، حضرت هم کاری میکند که تعجب او برود و مطلب را بفرمایند. مرحوم شیخ میفرمایند تعجب او را تقریر کرده‌اند. یعنی نمیشود؛ من هم قبول دارم که نمیشود. خب حالا چه میشود؟ تفضلٌ من الله است؛ خدا قبول میکند. بعد مرحوم شیخ تصریح میکنند و میگویند این یک روز ماه که میگوییم مجزی است، امتثال ماه مبارک نیست. لم یکن امتثالا لصوم شهر رمضان. ببینید چقدر ظریف میشود. قبل از آن هم میگویند قضاء به امر جدید است و «لایکون صوما لشهر رمضان». چند بحث دقیق به هم ضمیمه میشود و این بطن و فحل میدان علم و فکر اینطور میفرمایند.

علی ای حال مباحثه ما برای همین ها است که دقت کنیم که آیا به این صورت است؟ یک روایتی که طرف، تعجب کرده و حضرت با او مماشات میکنند، این مماشات امام را حمل بر تقریر تعجب او بکنید و با همین روایت احتمال بادی النظر را کنار بگذارید. و حال آنکه بادی النظر ارتکاز همه است که دهها شاهد دارد. یکی از آنها همین است؛ «وفّقت» یعنی تفضل است؟! برای ماه مبارک توفیق پیدا کردی یعنی تو ماه مبارک را انجام ندادهای بلکه خدا تفضل کرده. خلاف ظاهر توفیق است. همینجا اگر مرحوم شیخ کلمات متعددی که در کتب ارباب آمده -سوم وفّقت له- را پررنگ بکنند از آن دست بر میدارند. وقتی به روایت «هلک الناس» -روایت چهارم از باب پنجم- برسیم عبارت مرحوم شیخ را میخوانم.

شاگرد: اینکه فرمودید منظور از یقین این باشد که من جازم هستم که به نیت چه چیزی گرفتم با عبارت مرحوم صدوق سازگار نیست. یعنی نیت نمیتواند یقین به این باشد که من جازم هستم که دارم میگیرم. نیازی نیست که از روایت بشیر قرینه بگیریم که منظور این نیست.

استاد: بله، ببینید فرمایش ایشان این است: مرحوم شیخ بعد از اینکه فرمودند «من صام شاکا لایقبل الا بالیقین». چون در حال شک روزه گرفت درست نیست. خب دنباله آن چه فرمودند؟ فرمودند «و لایجوز ان ینوی من یصوم یوم الشک انه من رمضان». یعنی جزما ینوی. فرمودند یقین میخواهد این هم یقین. چرا لا یجوز؟ لان امیرالمؤمنین علیه‌السلام قال لان افطر یوما من شهر رمضان احب الی من ان اصوم یوما من شعبان ازیده فی شهر رمضان. این «ازیده» بحث ما بود که چند جلسه راجع به آن صحبت کردیم. فرمایش ایشان این بود که در اینجا که یقین بود؛ یقین بمعنای جزم در نیّت. پس چرا باطل شد؟

> 17:11

خب ایشان از ناحیه دیگری که عده‌ای هم گفته‌اند میگویند «لایجوز». به این نهی خورده است. نهی عن یوم الشک بنیة انه من شهر رمضان. بله اگر نهی نداشتیم میگفتیم جازم در نیت است و از این ناحیه «ان الفرائض لاتقبل الا بالیقین» مشکلی نداریم. اما از ناحیه دیگری مشکل داریم. لذا گفته‌اند «و لایجوز ان ینوی لان امیرالمؤمنین قال...». یعنی آن را تحت نهی بردند و نهی در عبادت هم موجب فساد است.

شاگرد۲: چطور جازم است؟ او که علم به موضوع ندارد. وقتی علم به موضوع ندارد چطور جازم به روزه ماه رمضان است؟

استاد: در اینجا منظور از جازم عدم حال تردید در نیت است.

شاگرد۲: الآن موضوع این صوم برای من مشکوک است. مثلاً الآن شک دارم ظهر شده یا نه، جزما نیت میکنم که نماز ظهر بخوانم.

استاد: غفلتا.

شاگرد۲: غفلتا را نمیگویم. ملتفت را عرض میکنم.

استاد: شما میگویید با این نحو از نیت، قصد قربت متمشی نمیشود. خب بحث ما سر این نیست که میشود یا نمیشود. صحبت سر این است که فرض گرفتیم یک جا، متمشی شد، با نحو غفلتی یا با مسائلی که در بحث حج عرض کردم. در آن جا عرض کردم ما نباید به مکلف تحمیل کنیم که قصد قربت از او متمشی نمیشود. گاهی عرف واقعاً در شرائطی قرار میگیرد که خودش میبیند که قصد قربت از او متمشی شده است.

شاگرد۲: بحث قصد قربت نیست. جزم به نیت روزه ماه رمضان.

استاد: ایشان الآن که کلمه جزم را نیاورده اند. عبارت ایشان را میگویید یا مطلب کلی را؟

شاگرد۲: شما ذیل عبارت ایشان دو فرض گرفتید. یکی جزم به دخول رمضان و دیگری جزم به روزه ماه رمضان.

استاد: جزم در نیت. ببینید ایشان سه فرض را فرمودند. فرض بگیریم منظور از یقین یعنی یقین در نیت و جازمیت در نیت؛ مقصود ایشان خیلی روشن است. سه تا فرض میگیرند. ینوی علی انه من شعبان، یقین را دارد یا ندارد؟ میگویند دارد. ینوی علی انه من رمضان؛ یقین در نیت را دارد یا ندارد؟ بله دارد. مشکلی که ندارد.

شاگرد: روزه شعبان که نیازی به یقین ندارد. چون ایشان می‌گوید نمی‌شود فرائض را بدون یقین آورد.

استاد: نه، وقتی یصوم من رمضان را می‌گوید، «لان امیرالمؤمنین» را می‌گوید. می‌گوید «من شاکا لایقبل و ان کان...»، چرا؟ «لان الفرائض لاتقبل الا بالیقین». می‌خواهیم ببینیم ذهنیت شریف ایشان را ببینیم که چه بوده. روی فرض یقین جازم، سه فرض دارند. «علی انه من شعبان» این عبادت مشکلی دارد یا ندارد؟ جزم در نیت در اینجا هست یا نیست؟

شاگرد: نیازی نیست.

استاد: خب دنباله اش چرا می‌فرمایند «اجزأه»؟

شاگرد: چون روزه تطوع است و به نیت شعبان هم گرفته لذا او روزه فریضه نگرفته است.

استاد: خب «اجزأ» یعنی چه؟

شاگرد: اینکه از باب اجزاء است یا اجتزاء بحث دیگری است که می‌توانیم روی آن فکر کنیم.

استاد: نزد فتاوا و روایات این مسلم است و قابل شک نیست. لذا نسبت به عبارت «فبان» مقنعه عرض کردیم که اگر بخواهد «فبان» نباشد، لازمه اش این بود که خلاف این همه از نص و فتوا قائل شویم. فرمایش شما را جمع کنیم. الآن کجای عبارت ایشان منظور شما است؟

شاگرد: فرمایش شما این بود که اگر این فرد جازم به روزه ماه رمضان روزه بگیرد، از او مقبول نیست.

استاد: شما می‌گویید نمی‌شود. ما می‌گوییم اگر با غفلت بگیرد می‌شود. ما می‌خواهیم حکم آن را ببینیم.

شاگرد: ظاهر ایشان این است که چون شک دارد نمی‌تواند اینطور بگیرد.

استاد: اگر نمی‌تواند بگیرد پس تکلیف به ما لایطاق است؟! من عبارت ایشان را می‌خوانم. اینطور که شما می‌گویید ایشان دارند تکلیف به ما لایطاق می‌کنند. مثل اینکه می‌گویند مباداً به کره مریخ بپرید، ممنوع است. نمی‌تواند بپرد. ایشان می‌گویند «و لایجوز ان ینوی من یصوم یوم الشک انه من شهر رمضان»، برای چیزی که نمی‌تواند می‌گویند «لایجوز»؟!

شاگرد: تعلیل آن چیست؟

استاد: خب امیرالمؤمنین فرمودند نیت ماه مبارک نکن.

شاگرد: می‌گویند فرائض قبول نیست الا بالیقین.

استاد: نه، این را که در مورد شک گفتند. «من صامه و هو شاک» را سه فرض کردند. علی انه من شعبان اجزأ، من صامه و هو شاک و ان کان من شهر رمضان لان الفرائض لایقبل الا بالیقین، این دوم. سوم این است: و لایجوز ان ینوی من یصوم یوم الشک انه من شهر رمضان لان امیرالمؤمنین علیه‌السلام قال... اجزده فی شهر رمضان. در جلسه قبل عرض کردم برداشت ذهن شریف مرحوم صدوق از این «اجزده» همان اجزده در نیت بوده. آن وقت شما می‌گویید «اجزده» یعنی چه؟ وقتی شک دارد که نمی‌تواند نیت کند. خب شما بگویید که منظور ایشان چیست؟ روی مبنای خودتان

برداشت شما از عبارت فقیه چیست؟ «ازدهه» ایشان، ازدهه به نیت است و دارند به کسی می‌گویند که دارد یوم الشک را می‌گیرد. می‌فرمایند جایز نیست که نیت ماه مبارک بکنی.

> 23:55

شاگرد: عنوان باب را می‌فرمایید.

استاد: باب صوم یوم الشک.

---

[1] كتاب الصوم (للشيخ الأنصاري)، ص: ۱۱۸-۱۱۹

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 12:01:43 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 12:03:34 توسط ... .